

از مکتب‌خانه تا دانشگاه

نگاهی تاریخی به شکل‌گیری دانشگاه در جهان و ایران

محمد کاظم عالی پور | امر آموزش از روزگاران قدیم همیشه مورد توجه انسان‌ها بوده است و به نحوی هر تمدنی توجه شایانی به آن داشته است. بر همین اساس در این یادداشت و بنا به ضرورت شناخت تاریخی شکل‌گیری نهاد مدرن علم در ایران، نگارنده ابتدا به اهمیت آموزش در تمدن‌های بشری پرداخته و سپس با یک بررسی تاریخی مفصل سرآغاز مراکز آموزشی در ایران را تا دوران پهلوی و سر برآوردن نهاد دانشگاه دنبال کرده است و به صورت تطبیقی نحوه ورود این نهاد علمی به ایران را با مراکز علمی اروپا مورد بررسی قرار داده است.

دوران اعتدالی تمدن خود، از تعلیم و تربیت فرهنگ آتنی بهره می‌گرفته‌اند.

در قرون وسطی، کلیسا حاکم بر جامعه بود و تمامی تعلیم و امور مدارس در طی قرون متمادی به‌طور کامل در دست روحانیون کلیسا بود.

اما پاسخ به این پرسش را، که دانشگاه از کجا سر برآورد، می‌باید در اروپا و حدود سده‌ی یازدهم و دوازدهم میلادی جست‌وجو کرد. از این زمان به بعد، نهادی با ضوابطی متفاوت از همه‌ی نمونه‌های پیشین پا به عرصه‌ی وجود نهاد، تا عرصه‌ی آموزش و پرورش را دچار انقلابی بزرگ و سرنوشت‌ساز کند. در این دوران دانشگاه‌های صاحب ارج و نامی همچون دانشگاه بولونیا، سوربن، آکسفورد و غیره در جای جای اروپا به میدان می‌آیند و هر کدام سیر تکامل و تکوین خود را می‌آغازند.

مؤسسات مزبور، برخلاف تعلیمات عالیه در شرق، به‌طور محسوسی محصول نیازها و فشارهای اجتماعی بوده‌اند. در واقع این مؤسسات با رقابت خود در پی دو هدف بوده‌اند: **دانش خالص و دانش کارور**. آنچه این مراکز را با موارد قبلی متمایز می‌سازد، سازمان‌دهی وسیع و تبدیل آن به جایی است که فقط تدریس در آن صورت می‌گرفت. دانشگاه از آن زمان تا به امروز در تمدن غرب بی‌وقفه و بدون خسوف راه خویش را پیموده است.

دیرزمانی است که نظام آموزش عالی جایگاه خود را در مقام نهادی جریان‌ساز و پویا در تمدن بشری نمایان کرده است و هرکجا آموزش عالی کارآمدتر و استوارتر بوده، اقسام توسعه‌ی پایدار و نیز پیشرفت جوامع حاصل شده است. سیستم آموزش عالی کارآمد در هیبت کانونی که تولیدکننده‌ی تمام‌عیار سرمایه‌ی فرهنگی است، در مسیر افزودن بر ارج و ارزش منابع انسانی یک جامعه گام برمی‌دارد. بنا بر این با نیرومندسازی آن، می‌توان بهبود و توسعه‌ای موزون و منسجم و هدفمند را به ارمغان آورد. اما نظام آموزش عالی از کجا سر برآورد؟ چگونه در کشور ما جلوه‌گر شد؟ چه ضرورتی برای وجود آن احساس می‌شد؟ کدام زمینه‌ی اجتماعی فرصت ظهور و اقبال و پرورده شدن آن را مهیا ساخت؟

نگاه به گذشته‌های دور تمدن بشری و گزارش‌ها و اسناد کهن نشان از جلوه‌ی پررنگ آموزش و پرورش در سرزمین یونان دارد. به گواهی تاریخ در «دوران طلایی آتن»، امر آموزش، اجباری بوده و فرزندان پسر از سن شش‌سالگی به مدرسه فرستاده می‌شدند. در آنجا عهده‌دار امر آموزش معلمین خصوصی بودند و آن‌ها **شهروندان** را با اصول **دولت‌شهر** تعلیم داده و تربیت می‌کردند، امری که در اسپارت وظیفه‌ی مستقیم دولت قلمداد می‌شد. آکادمی افلاطون نیز یادگار همین دوران است. رومیان در



اما در سوی دیگر دنیا اوضاع بر چه منوال بود؟ در ایران دوران ساسانی، آموزش و پرورش تنوع زیادی پیدا کرد؛ علم و دانش به شاخه‌های گوناگون تقسیم شد و آموزش مذهب زرتشت مورد تأکید قرار گرفت. به کودکان مهارت‌های فنی و هنری آموزش داده می‌شد و هر کودک موظف بود حرفه و پیشه‌ی پدر را بیاموزد و به ارث برد. در دوران ساسانی، با نمونه‌ای برجسته در جهان باستان روبه‌رو می‌شویم: **گندی شاپور**؛ بیمارستانی با نظام آموزش پزشکی که الگویی برای برپایی بیمارستان‌های بعدی در تاریخ بوده است. مطابق داده‌های تاریخی مدرسه‌ی پزشکی گندی شاپور به هنگام فتوحات عرب‌ها از مهم‌ترین مراکز پزشکی جهان بوده است.

پس از ورود اسلام، نظامیه‌ها مهم‌ترین مدارس ایران قلمداد می‌شدند که به ابتکار خواجه نظام‌الملک، وزیر ملک‌شاه سلجوقی در نیمه‌ی قرن پنجم هجری قمری احداث شدند. "القرویین" مراکش و "اللازهر" مصر نیز مراکز آموزشی قدرتمندی در جهان اسلام‌اند. لیکن این مدارس را می‌توانیم با مراکز آموزشی وابسته به کلیسا در دوران پیشادانشگاه غرب مقایسه کنیم نه با نهاد دانشگاه. باید تذکر داد که دانشمندان و فیلسوفان و حکمای نامی ایران که در قرون ۹ تا ۱۱ سر برآوردند و نام خود را جاودانه کردند، برآیند دانشگاه‌ها نبودند، بلکه از دل همان مدارس سنتی برخاسته بودند و با نبوغ، اقبال و حمایت حکمرانان زمانه‌ی خود درخشیدند. البته با گذر زمان این درخشش‌ها چندان نیابید و محدود به روزگاری بود که هنوز خورشید تابان **علم**، که در اروپا در حال شعله‌ور شدن بود، پشت کوه‌های تعصب کلیسا محصور مانده بود. برای خردمندان ایرانی تداوم و دورنمای روشنی در کار نبود چراکه از درون نظام آموزشی کم‌توان و نحیفی سر بلند کرده بودند، که به تدریج به خاطر عدم توجه لازم و بحران‌های گوناگون سیاسی و اجتماعی ریشه‌اش خشکیده شد. طلوع امپراتوری شیعه‌ی صفویان در ایران، **پرشیا** را که زمانی دراز در میان افسانه‌ها و کتب تاریخی اروپایی دنبال می‌شد، پس از مدت‌های مدید در مقام نیروی زنده‌ی سیاسی و نظامی بر سر زبان‌ها انداخت. این رویداد مهم که بیخ گوش امپراتوری

عثمانی، دشمن اروپاییان مسیحی، رخ می‌داد، اروپا را بیش از هر زمان دیگر با ایران همگرا و هم‌نوا ساخت. مدارس نظامی نوین در ایران محصول همان دوره هستند. علاوه بر آن، دوستی حاصل‌شده عناصری پررنگ از فرهنگ اروپایی را در ایران آن دوران به یادگار گذاشت. نمونه‌ی آن، تأثیرپذیری هنرمندان آن روزگار در عرصه‌هایی چون موسیقی و نگارگری از اروپاییان است، که در آثار هنرمندانی مثل "محمد زمان" قابل مشاهده است. عهد صفویان با فراز و نشیب‌های بسیاری فلسفه‌ای همچون ملاصدرا و میرداماد را پروراند، اما با همه‌ی اینها، هر چه بود نهاد مدرنی برای آموزش علوم از دل آن برنخاست. نکته‌ی خاص این دوران رشد و توسعه‌ی مکتب‌خانه‌ها با وجود همه‌ی ضعف‌های آنها بود. گسترش مکتب‌خانه می‌توانست برای گسترش علم‌آموزی و توسعه‌ی دانش در مواقعی در یک سطح محدود موفقیت‌آمیز باشد.

اما نمی‌توانیم تحرک چندانی برای جامعه‌ای تصور کنیم که شهرهایش جمعیتی اندک و پراکنده داشته و تکیه‌اش به جامعه‌ی دهقانی و عشایری، عمیق و فراگیر بوده است. نشانی از پویایی حاکم بر شهرهای پیش‌تاز غربی که به نظام دانشگاهی دست یافته بودند، در شهر ایرانی پیدا نبود و حوادث تاریخی با عشایری کردن چهره‌ی ایران، حرکت جامعه را کندتر از پیش کردند. درست همان دورانی که اروپا صاحب ده‌ها دانشگاه به سبک نوین شده بود، در ایران چتر زندگی قبیله‌ای و ایلی و خانی سایه‌گستر می‌شد. زندگی راکد و کم‌افت و خیز گله‌داری، عشایری و کشاورزی نمی‌توانست جامعه را به روی ریل دانشگاه و آکادمی راه بدهد. برای نیل به این مقصود، نیاز مبرم به شهرهای پرجمعیت و مرتبط با شهرهای بزرگ جهان وجود داشت؛ شهرهایی آباد که در تعامل و تماس منظم با جهان پیرامون بودند.

در آن روزگار، علی‌رغم رفت و آمدها و مراودات اندک با غرب، تحولات آنجا منبع الهامی برای ایرانیان نبود و انگار قرار نبود که در جامعه‌ی ایران اتفاق خاصی در زمینه‌ی آموزش و پرورش رخ بدهد، تا این‌که در زمان فتحعلی شاه قاجار، جنگ‌های ایران و روسیه پیش آمد. نتیجه‌ی این جنگ‌ها، شکست‌های

نخستین بار «میرزا تقی خان امیر کبیر» قائم‌مقام طرفدار اصلاح و تجدید عهد ناصری نگاه ژرف‌تر خود را نشان داد؛ وی کباده‌ی ایجاد دارالفنون را بر شانه‌هایش استوار کرد و با ایجاد نخستین پلی کلینیک در ایران نشان داد که رویای داشتن مرکزی آموزشی به شکل غرب دیگر به حقیقت پیوسته است

محمد ابراهیم نقاشباشی
چهره امیر کبیر



تحقیر آمیز عباس میرزا، ولیعهد و فرماندهی جوان جنگ‌ها، بود. شوک بزرگ، بسیاری از ایرانیان از جمله خود ولیعهد را در اندیشه فرو برد، چرا غرب پیشرفت کرده و ما جامانده‌ایم؟ میرزا بزرگ قائم‌مقام وزیر عباس میرزا نگاهش به دانشگاه‌های غرب افتاد و دانست که در دانشگاه و پیشرفت علوم نوین غربی است که می‌توان ریشه‌ی تفاوت‌ها را دریافت. این‌گونه بود که شیپور علم‌آموزی مدرن دمیده شد و دیری نپایید که دربار اقدام به اعزام افرادی برای تحصیل در دانشگاه‌های اروپایی کرد. اعزام دانش‌آموزانی که برخی‌هایشان حتی نوشتن به فارسی را هم نمی‌دانستند و مدرسه‌ی مدرن را نیز به چشم ندیده بودند و تنها از فرزندان درباریان و اشراف بودند و با توجه به مشاغل پدرانشان برگزیده می‌شدند.

دست کم در اوایل کار نتیجه‌ی کار ناامیدکننده بود، ولی رفته‌رفته و در اواسط دوران قاجار نتایجی محدود اما امیدبخش به بار آمد. در عصر قاجار، در شش دوره، حدود ۱۰۰ نفر برای تحصیل به هزینه‌ی دولت به اروپا رفتند. نخستین بار میرزا تقی‌خان امیر کبیر، قائم مقام طرفدار اصلاح و تجدد عهد ناصری، نگاه ژرف‌تر

خود را نشان داد و به ایجاد دارالفنون همت گماشت و با تأسیس نخستین پلی کلینیک در ایران، رؤیای داشتن مرکز آموزشی به شکل غرب را به حقیقت تبدیل کرد. وی برای این کار دشوار از وجود استادان اتریشی بهره گرفت. دارالفنون با وجود مشکلات و کارشکنی‌های بسیار واپس‌گرایان و دشمنان امیر، پای به عرصه گذاشته و توانست تا اوایل دوران پهلوی نقشی کارساز در صحنه‌ی فرهنگ و دانش کشور داشته باشد.

با گذر زمان، مظاهر مختلف جهان مدرن رفته‌رفته از سوی همسایگان به‌ویژه دو امپراتوری عثمانی و روسیه در ایران ظاهر می‌شدند. از مؤثرترین و جریان‌سازترین‌ها، که منبع الهام انبوهی از نواندیشان و خردورزان ایرانی شد، نشریات فارسی چاپ خارج از ایران بود که امکان انتقادات تند اجتماعی، سیاسی و عمل‌روشنگری در عرصه‌های گوناگون را داشتند. این در حالی بود که نشریات وطنی هرگز چنین اجازه و فرصتی نمی‌یافتند و همواره حاکمیت در پاشیدن بذر وحشت در دل آنها کوشنده بود. چاپ نشریات آوانگاردی نظیر «حبل‌المتین» در کلکته، «اختر» و «ثریا» در استامبول، «پرورش» و «حکمت» در قاهره، «عروه الوثقی» در پاریس و «قانون» در لندن، می‌توانست تحولات بزرگ فکری را برای خوانندگان داخلی به همراه داشته باشد. یک نمونه‌ی این تأثیرپذیری‌ها مورد میرزا حسن رشديه بود که در اندیشه‌ی ساخت مدارس به سبک غربی افتاد و در این راه پریچ و خم به موفقیت رسید. وی در سال ۱۲۶۲ خورشیدی نخستین مدرسه‌ی مدرن را برای کودکان قفقازی و در سال ۱۲۶۶ نخستین مدرسه‌ی نوین ایران راه، با وجود مخالفت واپس‌گرایان مذهبی و شماری از درباریان و زورمندان محافظه‌کار، در مسجد مصباح‌الملک تبریز پایه‌گذاری کرد. این مورد یک نمونه‌ی اصلاح و تجدد از پایین جامعه در ایران بود.

در دوران رضاشاه با دستور کار قرار دادن الگوی تجدد آمرانه بسیاری از آرمان‌ها و مطالباتی که، به قول ناظم الاسلام کرمانی، از زمان «بیداری» ایرانیان بسیاری به دنبال تحققش بودند و برایش جان‌فشانی‌ها کرده بودند، میسر شد و البته این مهم

به قیمت قربانی شدن آزادی و برقراری استبدادی خشن محقق شد. روند اعزام دانشجو به کشورهای اروپایی با قدرت گیری رضاشاه بسیار دگرگون شد. دیگر مردم عادی تر هم می توانستند اقبال تجربه‌ی تحصیلات در اروپا را داشته باشند. تحول بزرگی در شمار دانشجویان اعزامی به خارج به وجود آمد. این درست است که عباس میرزا بسیار پیش تر از دوران اصلاحات "میجی" در ژاپن اقدام به اعزام دانشجو به اروپا کرده بود، ولی تنها در زمان رضاشاه بود که اعزام گسترده و حساب شده‌ای همپای اعزام ژاپنی‌ها در ایران اتفاق افتاد. تا سال ۱۳۱۲ بودجه‌های جداگانه‌ای برای اعزام محصل به خارج از کشور در نظر گرفته شد. نخستین گروه بعد از تصویب این قانون با برگزاری یک آزمون فراگیر به خارج اعزام شدند و در رشته‌های تعلیم و تربیت، طب، دندان سازی، کشاورزی، شیمی، حقوق، اقتصاد و مهندسی به تحصیل پرداختند. دولت موظف بود فارغ التحصیلان اعزامی به خارج را در رشته‌ی تحصیلی‌شان به کار گمارد و اگر شش ماه پس از بازگشت به ایران، دولت کاری به آنها واگذار نمی کرد، می توانستند شغلی برای خود انتخاب کنند.

در دوران رضاشاه آخرین میخ‌ها بر تابوت نظام آموزشی مکتب‌خانه‌ای زده شد و نظام آموزشی مدرن جایگزین آن شد. شایان ذکر است که برخی عادات رایج سنتی در مکتب‌خانه‌ها مثل کتک زدن شدید و تحقیر و ترس در دانش آموزان، میراثی شد که به دبستان‌های مدرن ایران نیز انتقال پیدا کرد؛ اما شاه‌بیت غزل اقداماتی که در آن دوران با پیگیری نخبگان و حمایت رضاشاه به مرحله‌ی انجام رسید، تأسیس **دانشگاه تهران** در سال ۱۳۱۳ بود. دانشگاه تهران با ادغام دارالفنون، مدرسه‌ی علوم سیاسی، مدرسه‌ی طب، مدرسه‌ی عالی فلاح و صنایع روستایی، مدرسه‌ی فلاح مظفر، مدرسه‌ی صنایع و هنر، مدرسه‌ی عالی معماری، مدرسه‌ی عالی حقوق و چند مرکز آموزش عالی دیگر دایر شد. نظام آموزش عالی هماهنگ با بسیاری دیگر از نهادهای جدید، تحت نفوذ الگوهای فرانسوی بود. در بدو کار الگوی موسوم به "ناپلئونی" به عنوان الگوی مورد استفاده در ایران استقرار یافت. الگویی

که کارمندپرور بود تا دانشگاه در خدمت دولت قرار گیرد. الگویی که دانشجو را برای ورود به دستگاه بوروکراسی دولت تربیت می کرد. این الگو تا به امروز هم تا حد زیادی چیرگی دارد. دانشگاه تهران بر مبنای الگوی مؤسسات آموزش عالی فرانسه الگوبرداری شد، حتی آندره گدار، طراح دانشگاه تهران، معمار و باستان شناس فرانسوی بود و پیش از وضع واژه‌ی دانشگاه و در طی مراحل قانونی و اجرایی، واژه‌ی فرانسوی "اونیورسیتیه" برای دانشگاهی که بنا بود ساخته شود، به کار می رفت. این امر نشان از استیلای فرهنگ علمی فرانسه در ایران آن دوران دارد.

پس از جنگ جهانی دوم و روی کار آمدن محمدرضا شاه، وی اراده کرد تا الگوی مؤسسات آموزش عالی ایران، از سیستم دانشگاهی فرانسه به سیستم آمریکایی تغییر کند. در این راه دست کم پنجاه و نه دانشگاه آمریکایی در توسعه و تأسیس آموزش عالی در ایران مشغول فعالیت شدند. دانشکده‌ی کشاورزی دانشگاه تهران به کمک دانشگاه یوتا توسعه و گسترش یافت؛ موسسه‌ی روزنامه‌نگاری دانشگاه تهران به مدد دانشگاه ویرجینیا آغاز به کار کرد و دانشگاه جانز هاپکینز آمریکا هم رشته‌ی دکتری بیماری‌های سلولی را راه اندازی کرد.

به دنبال دعوت محمدرضا پهلوی از رئیس دانشگاه پنسیلوانیا به ایران، پس از مذاکراتی چند، دانشگاه پهلوی شیراز مستقیماً تحت نظر و مدیریت این دانشگاه صاحب نام آمریکایی قرار گرفت و به این ترتیب روابط علمی و فرهنگی مستحکمی میان ایران و آمریکا ایجاد شد. این روند تا سقوط شاه تداوم داشت و با پایان کار او، از هم گسست. الگوی مهم دیگر دانشگاهی جهان، شیوه‌ی پژوهش محور آلمانی موسوم به الگوی "هومبولتی" است که در آن دوران فرصت عرض اندام نیافت و البته تا به امروز هم اقبال

چندانی در ایران پیدا نکرده است ■

منابع: هاشمی، احمد (۱۳۹۲): آموزش عالی (مفاهیم و رویکردها). نشر: دانشگاه آزاد اسلامی مرتضی راوندی، سیر فرهنگ و تاریخ تعلیم و تربیت در ایران و اروپا، چاپ سوم، رشت: هدایت، ۱۳۶۹ فرامستخواه، مقصود (۱۳۸۸): سرگذشت و سوانح: دانشگاه در ایران، نشر موسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران. یعقوب آژند (۱۳۷۷): دوازده رخ، «یادنگاری دوازده نقاش نادره کار ایرانی»، چاپ اول، انتشارات مولی، تهران. معتمدی، اسفندیار (۱۳۸۸): تاریخ علم در ایران (جلد سوم): از صفویه تا آخر قاجاریه، ویراستار: شادی نجوان نشر: مهاجر: تهران

آدمیت، فریدون، امیر کبیر و ایران، تهران، خوارزمی، ۱۳۴۸. رشیدی، شمس الدین (۱۳۶۲): سوانح عمر، نشر تاریخ ایران، تهران. قانون اساسی معارف، ۱۳۲۹ قمری مصوبه پنجشنبه دهم شهر ذیقعد، مطابق با نهم عقرب ۱۲۹۰. وزارت معارف، سالنامه و آمار ۱۷-۱۳۱۵ و قائم‌مقامی، جهانگیر: نیم قرن فرهنگ و تمدن فرهنگ/مقدمه‌ای بر مؤسسات آموزش عالی-۳ تقی‌زاده انصاری، شهرام: روزنامه اطلاعات، در باره دانشگاه تهران، چهارشنبه ۸ اردیبهشت ۱۳۹۵ جاودانی حمید، توفیقی جعفر، قاضی طباطبایی، سیدمحمود، پرداختی، محمدحسن (۱۳۸۷): بررسی وضعیت مدیریت نظام آموزش عالی ایران از دیدگاه مدیران عالی: گذشته، حال و آینده، گروه مطالعات مدیریت آموزش عالی، موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، دوره ۱۴ شماره ۴۸. کیانی، مصطفی (۱۳۸۳). معماری دوره پهلوی اول. چاپ نخست. تهران: مؤسسه‌ی مطالعات تاریخ معاصر.

D. H. Fowler (1999), The Mathematics of Plato's Academy: A New Reconstruction, Publisher: Clarendon Press

محمدی، هاشم (۱۳۹۱): آموزش و پرورش در ایران باستان، فصل نامه فروش، شماره پنجم

Archives of Iranian Medicine, Volume 11, Number 1, January 2008

4. T Lewis, Charlton T.; Short, Charles (1966) [1879], A Latin Dictionary, Oxford: Clarendon Press

Wright, Dennis: (1985) The Persians Amongst the English: Episodes in Anglo-Persian History. B Tauris & Co Ltd

M. Marefat (1992) «The Protagonists who Shaped Modern Tehran», in Ch. Adle and B. Hourcade, eds. Teheran, capitale bicentenaire, Paris and Tehran.

Problems and Issues in Higher Education: Perspectives on Iran-United States Educational Relations and Influences